

۱۳۸۷۳۰۹

بررسی احکام غیابی در ایران

تالیف

سید مصطفی حسینی



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	حسینی، سیدمصطفی، ۱۳۵۹ -
عنوان قراردادی	ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	بررسی احکام غیابی در ایران / تألیف سیدمصطفی حسینی.
مشخصات نشر	تهران : آوای نور، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۹۳ ص.
شابک	978-600-309-189-4
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۱۹۰] - ۱۹۱.
موضوع	حکم غیابی -- ایران
موضوع	آیین دادرسی -- ایران
رده بندی کنگره	KMH ۱۷۵۸ ۱۳۹۴ ح ۸۵ /
رده بندی دیسی	۵۵۰۷۷/۳
شماره کتابشناسی	۴۱۲ - ۷۲



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحدت، تلفن: ۶۶۹۶۷۳۵۵ / پلاک ۹۹، طبقه دوم / نامبر: ۶۴۸۰۰۰۸۲

بررسی احکام غیابی در ایران

تألیف: سید مصطفی حسینی

صفحه آرا: منیرالسادات حسینی

ناشر: انتشارات آوای نور

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۱۸۹-۴

قیمت ۱۲۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۹	چکیده
۱۱	مقدمه
۱۳	بیان مسئله
۱۴	پیشینه
۱۴	فرضیه
۱۵	اهداف
۱۵	پیشینه
۱۵	اهمیت موضوع
۱۶	موانع، مشکلات و محدودیت‌ها
۱۶	ساختار
۱۷	فصل اول: مفاهیم و مبانی
۱۷	تعاریف و مفاهیم
۱۷	تعریف واژگان
۱۷	حکم
۱۹	آثار اعتراض به حکم غیابی
۲۰	تعاریف لغوی و اصطلاحی و اخواهی
۲۳	دادرسی غیابی
۲۸	اعتراض
۳۱	حکم غیابی و دایره شمول آن در امور مختلف
۳۶	حکم غیابی در خصوص اشخاص از منظر موضوعی و مراحل دادرسی
۳۶	موضوعی
۳۷	مراحل دادرسی
۳۷	۱- احکام غیابی صادره از دادگاه‌های نخستین
۳۷	۲- احکام غیابی صادره از پژوهش
۳۸	۳- فرجام خواهی
۴۱	۴- اعاده دادرسی
۴۳	۵- ورود ثالث

۴۵	۶- جلب ثالث
۴۷	مفاهیم مرتبط
۴۷	جایگاه حکم غیابی در نظام حقوقی ایران
۴۸	حکم غیابی در حقوق ایران
۵۰	در قانون جدید آیین دادرسی مدنی
۵۵	مهلت واخواهی
۵۹	اصحاب دعوای واخواهی
۶۱	مرجع تشخیص حضوری و غیابی بودن حکم
۶۴	ابلاغ
۶۷	آیین دادرسی واخواهی و صدور رای
۶۷	آیین دادرسی
۶۸	ترتیب درخواست تجدیدنظر
۷۰	حقوق اصحاب دعوای واخواهی
۷۵	صدور رای، ابلاغ و اصلاح آن
۷۶	نحوه صدور رای غیابی
۷۶	چگونگی ابلاغ رای غیابی
۷۹	شیوه‌های اصلاح رای غیابی
۷۹	تصحیح رای در امور حقوقی
۸۰	نظریه شماره ۷/۵۶۳۳ - ۱۳۸۰/۹/۷ - ا.ح.ق
۸۰	نظریه شماره ۶۳۲۲/۷ - ۶۶/۱۱/۱۵ - ا.ح.ق
۸۱	۱۵۲۵ - ۶۳/۳/۲۹ - ا.ح.ق نظریه شماره ۷
۸۱	نظریه شماره ۲۰۲/۷ - ۶۰/۱۱/۲۲ - ا.ح.ق
۸۷	مستندات دادرسی غیابی
۸۷	۱- مبانی قانونی تجویز دادرسی غیابی

شرایط احکام غیابی صادره از دادگاه‌ها.....	۹۱
شرایط احکام غیابی صادره از دادگاه‌های بدوی.....	۹۱
بررسی شرایط احکام غیابی صادره از دادگاه بدوی.....	۹۲
بررسی ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص غیابی بودن حکم.....	۹۶
صدور حکم از دادگاه بدوی بر علیه خواننده.....	۹۸
شرایط احکام غیابی صادره از دادگاه تجدید نظر.....	۹۸
بررسی شرایط احکام غیابی صادره از دادگاه تجدید نظر.....	۱۰۰
شرایط حکم غیابی در مرحله تجدیدنظر.....	۱۰۰

فصل دوم: روش اجرای تحقیق..... ۱۰۳

مقدمه.....	۱۰۳
روش اجرای تحقیق.....	۱۰۳
ابزار گرد آوری اطلاعات.....	۱۰۴

فصل سوم: آثار اجرای احکام غیابی ۱۰۵

توصیف حکم و قابلیت وخواهی و تجدیدنظر.....	۱۰۵
بررسی شرایط حکم حضوری و غیابی.....	۱۰۷
حکم حضوری و غیابی و مرجع تشخیص آن.....	۱۰۷
تشخیص دادگاه مبنی بر صحت و سقم ادعای وخواه مبنی بر عدم اعلامی از مفاد حکم.....	۱۱۱
اصحاب دعوا.....	۱۱۱
مهلت وخواهی.....	۱۱۲
ماهیت حقوقی حکم غیابی دادگاه.....	۱۱۷
اجرای حکم غیابی.....	۱۱۷
اعتراض به احکام صادره از دادگاه‌ها.....	۱۳۴
مقایسه وخواهی از احکام غیابی در شاخه‌های مختلف حقوق.....	۱۳۶
چگونگی اجرای احکام مدنی صادره از دادگاه‌ها.....	۱۳۹
نحوه اجرای احکام قطعی مدنی دادگاه‌ها.....	۱۴۰
احکام مدنی پس از قطعی شدن.....	۱۴۰
احکام اعلامی و احکام تأسیسی.....	۱۴۷
احکام بعضی جنبه اعلامی دارند و بعضی جنبه اجرایی.....	۱۴۷
مرجع صدور اجرانیه.....	۱۴۹
اشتباه در صدور اجرانیه.....	۱۵۱

۱۵۲.....	مرجع حل اختلاف ناشی از اجرای حکم.....
۱۵۶.....	مراحل مختلف تقاضای اجرای حکم تا صدور دستور اجرا.....
۱۶۰.....	آثار اجرای احکام غیابی نسبت به اصحاب دعوی و اشخاص ثالث.....
۱۶۰.....	اثر واخواهی نسبت به اصحاب دعوا.....
۱۶۵.....	اثر واخواهی نسبت به اشخاص ثالث.....
۱۶۷.....	بررسی و تبیین آثار اجرای احکام غیابی.....
۱۶۷.....	اثر تعلیقی بر اجرای حکم.....
۱۶۸.....	اثر تعلیقی در صورت ابلاغ واقعی حکم.....
۱۷۱.....	اثر تعلیقی در صورت ابلاغ قانونی حکم.....
۱۷۱.....	اجرای حکم غیابی.....
۱۷۳.....	اثر تعلیقی و تعلیف حکم.....
۱۷۴.....	دیگر آثار اجرای احکام غیابی.....
۱۷۴.....	اثر انتقالی.....
۱۷۴.....	اثر واخواهی در خسارات ناشی از اجرای حکم.....
۱۷۴.....	سقوط حق تجدیدنظرخواهی.....
۱۷۵.....	تشدید مجازات رای غیابی.....
۱۷۵.....	عام و کلی بودن واخواهی.....
۱۷۵.....	تغییر حکم غیابی به واسطه واخواهی.....
۱۷۶.....	تغییر مفاد حکم از غیابی به حضوری.....

فصل چهارم: نتیجه گیری و پیشنهادات ۱۷۷

۱۷۷.....	نتیجه گیری.....
۱۸۷.....	پیشنهادهای.....

منابع و مأخذ ۱۹۱

چکیده

حکم غیابی اصطلاحی است که عبارت است از حکمی که دادگاه در غیاب مدعی علیه صادر می‌کند، در حقوق ایران از ابتدا صدور حکم غیابی تحت شرایطی مشروع دانسته شده است، همانطور که ملاحظه میشود، در قانون از کلمه حکم استفاده شده است، زیرا فقط حکم دادگاه میتواند غیابی باشد و هیچ قرار و وصف غیابی پیدا نمی‌کند. مطابق قوانین ایران یکی از شرایط غیابی بودن حکم آن است که خوانده بطور کتبی دفاع نکرده باشد. (دفاع به معنای اعم کلمه). دادن لوایحی مثل اعلام نشانی، اعلام بیماری و ارائه تصدیق پزشک، معرفی ردیل، دخالت وکیل جهت مطالعه پرونده و اقداماتی از این قبیل به معنای دفاع کتبی و در باب حضوری تلقی شدن حکم می‌باشد زیرا اگر چه اقدامات مزبور دفاع تلقی نمی‌شود مگر با توجه به اینکه این اقدامات دلیل بر اطلاع واقعی مخاطب از جریان دعوی است و علی‌حده حضوری تلقی شدن حکم در صورت وجود ابلاغ واقعی آن است که قانونگذار تنها ابلاغ واقعی را ملاک مطمئنی برای اطلاع مخاطب از دادرسی تلقی نموده است و با توجه به اینکه مطابق قانون اصل بر حضوری بودن احکام است و در موارد شک باید به اصل رجوع کنیم لذا تفهیم منطقی از مواد قانونی در موارد مذکور حکم حضوری تلقی خواهد شد، مشروط بر این اقدامات فوق در فرصت قانونی برای دفاع صورت گرفته باشد.

مقدمه

با دقت در مسیر قانونگذاری ایران متوجه این واقعیت می‌شویم که کم توجهی قانونگذاران به اصول و فلسفه علم حقوق و حتی عدم بهره گیری آنان از معلومات و تحقیقات دانشگاهی، در اکثر موارد از جمله مقررات آیین دادرسی مدنی، سبب بروز تغییرات بسیار و نتیجتاً ایجاد فراز و نشیب‌های ناهمگون در مسیر احقاق حق گردیده است. ضمناً از جمله آثار ناخوشایند تزلزل و عدم استحکام قوانین آیین دادرسی مدنی، ناامیدی اغلب حقوق دانان و حتی دانشجویان این رشته در فراگیری و آشنایی این دسته مقررات و مباحث می‌باشد. با این حال آشفتگی بیش از حد مقررات آیین دادرسی مدنی، علی الخصوص در سده‌های اخیر بعد از پیروزی انقلاب، به لحاظ ایجاد تغییرات عمده در سیستم قضایی و تسهیل دادگاه‌ها موجبات سردرگمی قضات و بدتر از آن مراجعه کنندگان به دادگستری را فراهم نموده است، به طوری که در حال حاضر یکی از عوامل اصلی مشاجرات ناخوشایند بین قضات مراجعه کنندگان از جمله وکلا، روشن نبودن مقررات و تشریفات رسیدگی به دعاوی است. به این ترتیب با ملاحظه‌ای همگونی مقررات مربوط به یکی از مباحث آیین دادرسی مدنی یعنی حکم غیابی و واخواهی، و همچنین آشفتگی و چندگانگی رویه‌ی قضایی در این خصوص، و مهمتر از همه عدم تحقیق منسجم در این رابطه، سبب تشویق نگارنده به انجام این پژوهش گردید. به طوری که بعداً و در طول این پژوهش ملاحظه خواهیم نمود، تسفاه در حال حاضر دادگاه‌ها در زمینه‌ی تفسیر موارد دادرسی غیابی و همچنین زمان واخواهی از حکم غیابی دارای نظرات و رویه‌های متفاوت و حتی متعارضی می‌باشند. از سوی دیگر عدم بیان مبانی فقهی این نهاد حقوقی در هیچ یک از کتب حقوقی آیین دادرسی تاکنون، و همچنین عدم بررسی اثرات این مبانی در تدوین مقررات بعد از انقلاب نیز از جمله انگیزه‌های تدوین این پژوهش را فراهم نموده است. قبل از ورود به بخش اصلی لازم است مسیر تکامل واخواهی در حقوق ایران را بررسی کنیم. از زمان حکومت قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری (۱۲۹۰ شمسی) تا سال ۱۳۳۱ شمسی علاوه بر حکم غیابی، قرار غیابی نیز پیش‌بینی شده و آرای غیابی، در هر حال قابل اعتراض در دادگاه صادرکننده آن بود. در اصلاحات سال ۱۳۳۱ (لایحه قانونی اصلاح

قانون آئین دادرسی مدنی) وصف غیابی به احکام اختصاص یافت و قابلیت اعتراض تمام احکام غیابی در دادگاه صادرکننده آن تا سال ۱۳۴۹ ادامه داشت. بنابراین در پی اقامه دعوا و رسیدگی چنانچه خوانده به موجب حکم غیابی محکوم می‌گردید، می‌توانست نسبت به حکم اعتراض نماید. پس از اعتراض به حکم، دادگاه صادر کننده، با توجه به اعتراضات معترض و پاسخ احتمالی معترض علیه، نسبت به رسیدگی و صدور رأی اقدام می‌نمود و بالاخره پس از صدور رأی در مرحله وخواهی، محکوم‌علیه رأی مزبور علی القاعده حجت داشت نسبت به آن درخواست پژوهش نماید. که در این مرحله نیز مرجع پژوهش به لحاظ شکایت پژوهشی و پاسخ احتمالی پژوهش خوانده، نسبت به رسیدگی و صدور رأی اقدام می‌نمود. در قضاوت اصل بر شنیدن اظهارات طرفین و سپس صدور حکم می‌باشد. در صورتی که در جلسه دادگاه و استماع اظهارات شفاهی آنان و حتی بحث و مناظره اصحاب دعوا، برای کشف حقیقت و رسیدن به واقع کمک شایانی می‌کند. از این رو است آنجا که مقدور باشد باید بر اصل مذکور پافشاری شود. اما در بسیاری از موارد اطلاق این اصل موجب تعطیل شدن خود قضاوت می‌شود. یعنی اگر ما معتقد باشیم که باید به دقت اظهارات و بحث‌های طرفین را بشنویم و سپس رأی صادر کنیم؛ نتیجه آن این می‌شود که اگر خوانده نخواست به دادگاه بیاید، قاضی دادگاه نتواند حتی با شنیدن اظهارات خواهان حکم صادر کند. بنابراین اصل شنیدن اظهارات طرفین اصلی مطلق نیست و جاهایی که قانونگذار و شرع تعدس تجویز کرده است، مشروط بر اینکه خوانده برای رسیدگی دعوت شده باشد، دادگاه باید بتواند فصل خصومت کند. به موجب (ماده ۳۰۳) این قانون، حکم دادگاه - ضرری است مگر اینکه خوانده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به‌طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد همان طور که ملاحظه می‌شود، در (ماده ۳۰۳) از کلمه حکم استفاده شده است زیرا فقط حکم دادگاه می‌تواند غیابی باشد و هیچ قرار و وصف غیابی پیدا نمی‌کند. بنابراین قرار دادگاه همیشه حضوری است. علت این امر به خاطر آن است که غیابی بودن حکم همیشه بستگی به وضعیت خوانده دارد و نسبت به خواهان همیشه حضوری است. در حالی که قرارها معمولاً علیه خواهان صادر می‌شود. لذا وضعیت خوانده در نوع آن تأثیری ندارد. هرگاه خوانده یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و یا لایحه‌ای هم به دادگاه نفرستند و اخطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد، دادرسی غیابی

محسوب و حکم صادره نیز غیابی است." در صورت جمع بودن سه شرط، حکم دادگاه غیابی است: اولاً: خواننده در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده باشد. ثانیاً: خواننده به هیچ وجه دفاع کتبی نکرده باشد. ثالثاً: اخطاریه دادگاه به خواننده به طور واقعی ابلاغ نشده باشد. بنابراین، در صورت حضور خواننده در یکی از جلسات دادگاه یا ارسال حتی یک لایحه یا در صورت واقعی بودن ابلاغ، حتی اگر خواننده در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده باشد و لایحه هم نفرستاده باشد، موجب حضوری بودن حکم خواهد شد. با توجه به این شرایط، قاضی پرونده در زمان صدور رأی باید توجه کند در صورت جمع بودن هر سه شرط، حکم غیابی صادر کند. مطابق (ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی)، یکی از شرایط غیابی بودن حکم آن است که خواننده به طور کتبی دفاع نکرده باشد، حال سوال این است که آیا دادن لوایحی مثل اعلام نشانی، اعلام بیماری و ارائه تصدیق پزشک، معرفی وکیل، دخالت وکیل جهت مطالعه پرونده و اقداماتی از این قبیل به معنای دفاع کتبی و به جهت حضوری تلقی شدن حکم هست یا خیر؟ در پاسخ به این سوال می‌گوییم اگر چه اقدامات مزبور دفاع تلقی نمی‌شود، ولی با توجه به اینکه این اقدامات دلیل بر اطلاع واقعی مخاطب از جریان دعوی است و علت حضوری بودن حکم در صورت وجود ابلاغ واقعی آن است نه فائده نثار تنها ابلاغ واقعی را ملاک مطمئنی برای اطلاع مخاطب از دادرسی تلقی نموده است و با توجه به اینکه مطابق (ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی) اصل بر حضوری بودن احکام است و در موارد شک باید به اصل رجوع کنیم لذا با تفسیر منطقی از (ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی)، در موارد مذکور حکم حضوری تلقی خواهد شد، مشروط بر اینکه مخاطب فوق در فرصت قانونی برای دفاع صورت گرفته باشد.

بیان مسئله

مقررات آیین دادرسی مدنی علی‌الاصول با فرض اطلاع خواننده از جریان دادرسی و شرکت اصحاب دعوا در آن تدوین شده است به همین جهت به موجب ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی حکم دادگاه حضوری است مگر اینکه خواننده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و بطور کتبی نیز دفاع ننموده و یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد، حال این سؤال پیش می‌آید که منظور از دفاع توسط خواننده و یا وکیل وی، ارسال لایحه به عنوان دفاع می‌باشد و یا هرگونه

لایحه‌ای (اعم از اعلام نشانی، گواهی پزشکی و ...) دفاع محسوب می‌گردد و در صورتی که دفاع محسوب نمی‌شود چرا دادگاهها با ارسال لایحه از سوی خواننده رای صادره را حضوری اعلام میدارند و دیگر واخواهی را نمی‌پذیرند. در حال حاضر یکی از عوامل اصلی مشاجرات ناخوشایند بین قضات و مراجعه کنندگان از جمله وکلا، روشن نبودن مقررات و تشریفات رسیدگی به دعاوی است، و با ملاحظه مربوط به یکی از مباحث آیین دادرسی مدنی یعنی حکم غیابی و واخواهی، و همچنین آشفتگی و چندگانگی رویه قضایی در این خصوص و مهمتر از همه عدم تحقیق منسجم در این رابطه، سبب تشویق ندارند به انجام این پژوهش گردید.

متأسفانه در حال حاضر دادگاهها در زمینه تفسیر موارد دادرسی غیابی و همچنین زمین واخواهی از حکم غیابی دارای نظرات و رویه‌های متفاوت و حتی متعارضی می‌باشند، و از سوی دیگر عدم بررسی اثرات این مبانی در تدوین مقررات بعد از انقلاب نیز از جمله انگیزه‌های تدوین این پژوهش را فراهم نموده است.

پرسش‌ها

- ملاک غیابی بودن حکم، صرفاً عدم آگاهی محکوم علیه می‌باشد و یا عدم دفاع وی؟
- آیا واخواهی، موجبات زوال دیگر طرق عدلی اعتباری را فراهم می‌کند یا خیر؟
- طرح دعاوی طاری در مرحله واخواهی امکانپذیر است یا خیر؟

فرضیه‌ها

- ملاک حضوری شمردن احکام، اطلاع و آگاهی خواننده نسبت به احکام می‌باشد، چرا که آگاهی از احکام موضوعیت دارند نه طریقت.
- در صورتی که حکم غیابی در دعوائی صادر شده باشد که قابل تجدیدنظر هم بوده است، محکوم علیه غایب می‌تواند واخواهی نماید و رأیی که براساس واخواهی صادر می‌شود می‌تواند مورد درخواست تجدیدنظر و همچنین در صورت وجود شرایط موصوف در قوانین مورد فرجام قرار گیرد.
- نظر به اینکه واخواهی ادامه رسیدگی مرحله نخستین می‌باشد بنابراین امکان طرح دعاوی طاری امکانپذیر می‌باشد هر چند در قوانین صریحاً پیش‌بینی نگردیده است.

اهداف

- بررسی احکام غیابی در حقوق ایران
- بررسی آثار احکام غیابی در حقوق ایران
- بررسی خلأ قوانین
- بررسی واخواهی و جوانب آن

پیشینه

پس از بررسی در سایت های مربوط به عناوین پایان نامه و مراجعه به مرجع پایان نامه ها در برخی از دانشگاه ها دریافتیم در خصوص مطالعه و بررسی شرایط، احکام و آثار احکام غیابی خیلی کار تحقیقی و پژوهشی صورت نگرفته و تنها برخی از حقوقدانان برجسته به این امر پرداخته اند و منابع در دسترس تنها تعداد محدودی کتب موجود در این خصوص بوده است و این کار تحقیقی در نوع خود کاری جدید است.

اهمیت موضوع

مبانی توصیف و تجویز رسیدگی غیابی و صدور حکم غیابی از جمله مسائلی است که کمتر موضوع تحقیق مستقلی قرار گرفته است. شناسایی این مبانی در حقوق موضوعی ایران و ارائه برخی راهکارهای پیشنهادی، مستلزم بررسی تطبیقی مواضع و موازین فقهی است؛ ضرورت این تحقیق با نگاهی به وضع کنونی دادستری، وضع قانونگذار در خصوص رسیدگی و حکم غیابی بیشتر نمایان میشود؛ از یک سو، قانون مبنی بر امکان واخواهی از همه احکام غیابی، حتی احکام قابل تجدیدنظر، موجب طولانی شدن فرایند رسیدگی و افزایش تجدیدنظرخواهی مراحل آن شده است و از سوی دیگر، دادگاههای تجدیدنظر عموماً اعتراض محکوم علیه غایب از حکم را، واخواهی تلقی نموده و با نادیده گرفتن امکان اسقاط حق واخواهی، موجبات طولانی شدن فرایند رسیدگی و افزایش مراحل آن را فراهم نموده اند.

موانع، مشکلات و محدودیت‌ها

این تحقیق از آنجایی که یک کار پژوهشی در حوزه احکام غیابی می‌باشد به دلیل کمبود منابع و در دسترس نداشتن منابع زیاد با مشکلات جدی مواجه بوده و محدودیت‌های این چینی موجب شد تا پژوهشگر آنطوری که می‌خواست نتواند کاری قویتر و بهتر ارائه نماید.

ساختار

تحقیق - صر در پنج فصل ذیل، مورد پژوهش قرار گرفته است. فصل اول اختصاص به کلیات تحقیق که شامل (مقدمه، پرسشهای تحقیق، فرضیه ها، پیشینه تحقیق، اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق، موانع و مشکلات و محدودیت های تحقیق، و ساختار تحقیق) داشته و مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم شامل مفاهیم، ادبیات و مبانی (بررسی زمین تحقق ارکان حکم) می‌باشد. فصل سوم به بررسی روش تحقیق پرداخته شده است. فصل چهارم به بررسی آثار اجرای حکم غیابی اشاره نموده است. فصل پنجم شامل نتیجه گیری مباحث ارائه شده می‌باشد.